



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	قمار.....
۲	مرور گذشته
۲	بررسی ادله روایات
۲	تقسیم‌بندی روایات
۳	روایات گروه اول.....
۳	اولین روایت.....
۳	روایت دوم:
۳	روایت سوم:
۴	بررسی روایت از لحاظ سند.....
۴	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۴	شبهاتی در دلالت:
۴	۱. مکروه از عوامل مانع رحمت.....
۴	۲. حرمت افعال به خاطر ماه مبارک رمضان.....
۵	اقسام محرمات
۵	نتیجه‌گیری
۵	۳. دلالت بر حرمت تکلیفی.....
۶	روایت چهارم:
۶	بررسی روایت از لحاظ دلالت.....
۶	روایت پنجم:
۶	روایت ششم:
۷	خلاصه‌ای از روایات دیگر.....
۸	تقسیم‌بندی طایفه اول.....
۸	«لاخیر فیه» دلالت بر جامع بودن مرجوحیت



قمار

مرور گذشته

بحث ما در حرمت قمار بود. ادله‌ای را نیز بر حرمت وضعی و تکلیفی آوردیم و بررسی کردیم. در بخش اول، ادله‌ی قرآنی را بررسی کردیم. در جمع‌بندی نیز بیان کردیم، چندین نتیجه از این آیات گرفته می‌شود. از این آیات حرمت تکلیفی و وضعی استفاده می‌شود. از سویی از آیات استفاده می‌شد که قمار، گناه کبیره است. آیه ششم، دلالت قوی نداشت اما پنج آیه دیگر، کاملاً مرتبط با بحث بودند. قدر مسلم این است که آیه‌ای مثل «يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ»^۱ یا «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ»^۲ دلالت بر حرمت تکلیفی می‌کند و آیه‌ی «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ»^۳ دلالت بر حرمت وضعی می‌کرد. البته در هر دو نوع آیات، حرمت دیگر نیز به قرآنی قابل استخراج بود.

قمار دو شرط داشت، یکی اینکه بازی با آلات قمار باشد و در آن گروکشی و شرط‌بندی باشد. آیات دلالت بر حرمتشان اختصاص به جایی دارد که آلات معدّه و رهان وجود داشته باشد. اگر یکی از این شروط نباشد، آیات دلالتی ندارند.

بررسی ادله روایات

تقسیم‌بندی روایات

روایات مربوط به قمار را به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

۱. روایاتی که افاده حرمت تکلیفی می‌کند و قمار را منع می‌کند.
۲. روایاتی که قمار را به نحو حکم وضعی نهی می‌کند. یعنی مفید بطلان قمار و مالی است که از قمار به دست می‌آید.
۳. روایاتی که هر دو حکم را افاده می‌کند.

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۹.

۲. سوره مائده، آیه ۹۰.

۳. سوره نساء، آیه ۲۹.



شماره ثبت: ۲۶۰۰

این تقسیم‌بندی در آیات نیز شاهد بودیم.

روایات گروه اول

این روایات در وسائل الشیعه، باب یکتسب به، باب ۳۵ هستند.

اولین روایت

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَيْسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ - فَقَالَ كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ بِأَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَتَنَاهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ ذَلِكَ.»^۱

قریش با اهل و مال خود، قمار می‌کردند، خداوند با این آیه، آن‌ها را منع می‌کرد. اینکه آیه چگونه حمل بر حکم تکلیفی می‌شد را بحث کردیم. اگر این آیه به تنهایی بود، آیه حکم وضعی را افاده می‌کند. اما در روایت آمده است که خداوند آن را نهی کرده است، اگر منظور از «فَتَنَاهُمُ اللَّهُ» منع تکلیفی بگیریم، روایت جزء روایاتی می‌شود که با قطع نظر از آیه، حمل بر حرمت وضعی می‌کند.

روایت دوم:

« وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ » (۱)
قَالَ نَهَى عَنِ الْقِمَارِ وَ كَانَتْ قُرَيْشٌ تُقَامِرُ الرَّجُلَ بِأَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَتَنَاهُمُ اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ.»^۲

روایت سوم:

این روایت چهارم باب ۱۰۲ است.

۱ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۶۴

۲ همان، ص ۱۶۷



شماره ثبت: ۲۶۰۰

«وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَكَمِ أَخِي هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ - عِتْقَاءَ مِنَ النَّارِ إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى مُسْكِرٍ أَوْ مُشَاحِنٍ [مُشَاحِنًا] أَوْ صَاحِبِ شَاهَيْنٍ قُلْتُ وَ أَيْ شَيْءٍ صَاحِبِ الشَّاهَيْنِ قَالَ الشُّطْرُنْجُ.»^۱

امام صادق (ع) می‌فرماید: در شب‌های ماه مبارک رمضان، آزادشدگان زیادی از آتش جهنم هستند مگر کسانی که مبتلا به مسکر، مشاحن یا صاحب شاهین است. منظور از صاحب شاهین نیز همان شطرنج است.

بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت از لحاظ سند معتبر است. تنها ابراهیم بن هاشم است که سابق بحث‌های زیادی در مورد ایشان کردیم و قائل به توثیق ایشان شدیم. یک قاعده برای وثوق ایشان این بود که رجالی مشهوری که قدح در مورد آن‌ها نباشد، توثیق دارند.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

شبهاتی در دلالت:

۱. مکروه از عوامل مانع رحمت

در این روایت سه گروه مشمول رحمت نمی‌شوند. این مشمول رحمت نشدن، نشان‌دهنده‌ی این است که این کار حرام است. البته ممکن است که کراهت نیز باعث شامل نشدن رحمت باشد، اما ظاهر روایت احتمال اول را بیان می‌کند. چیزی که در ذهن عرف، مانع رحمت خداوند می‌شود، گناه است. در این روایت مسکر نیز آورده است که حرام است. در نتیجه با نگاه به سیاق می‌توانیم بگوییم که شاهین (شطرنج و قمار) حرام است.

مکروه انسان را مستوجب عقاب نمی‌کند، اما در اینجا فقط مانع رحمت است، عقلاً احتمال مکروهیت وجود دارد ولی همان‌طور که بیان کردیم به خاطر شرایط ماه رمضان و ظهورات عرفی روایت، دلالت بر حرمت می‌کند.

۲. حرمت افعال به خاطر ماه مبارک رمضان

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۹



شماره ثبت: ۲۶۰۰

شبهه‌ی دیگر این است که روایت این اعمال را گناه می‌داند، اما این به خاطر ماه مبارک رمضان است. افعالی است که در ماه مبارک رمضان، حرام است و در غیر از آن حرام نیستند.

جواب شبهه این است که مسکر و قمار اختصاص به ماه مبارک رمضان ندارد. ظاهر روایت این است که در ماه مبارک، این اعمال اشتداد عقاب دارند. زیرا موجب می‌شوند فیض الهی را مانع شوند.

اقسام محرمات

عواملی موجب اشتداد عقاب می‌شود. در محرمات دو نکته وجود دارد:

۱. محرمات، ذو مراتب هستند. یعنی صغیره و کبیره دارند و در آن‌ها نیز تشکیکاتی دارند. البته ممکن است دو گناه هم‌رتبه باشند. ولی اکثر گناهان دارای مراتب تشکیکی هستند. این نوع تشکیک در واجبات، مستحبات، مکروهات نیز وجود دارد.

۲. یک نوع تشکیک عرضی در محرمات وجود دارد و آن هم با عوامل بیرونی، اشتداد عذاب پیدا می‌کند. گناه، همان گناه است، ولی به دلیل عواقب بیرونی، عقاب بیشتری پیدا می‌کند. در اینجا نیز دو اتفاق ممکن است بیفتد:

الف) گاهی عذاب همان گناه بیشتر می‌شود.

ب) گاهی گناه بر چیز دیگری اثر می‌گذارد.

نتیجه‌گیری

از نکته منظور استفاده می‌کنیم که در روایت بیان شده است این گناه در ماه مبارک رمضان، دارای عقاب بیشتری است، از طرفی جلوی فیض الهی را می‌گیرد. این روایت دلالت بر حرمت قمار دارد از طرفی در ماه مبارک رمضان، یک آثار بیشتری بر آن مترتب است.

۳. دلالت بر حرمت تکلیفی

این روایت دلالت بر حرمت تکلیفی دارد. اینکه بگوییم مالی که از قبل قمار به دست می‌آید حرام است، از این روایت استفاده نمی‌شود.



شماره ثبت: ۲۶۰۰

روایت چهارم:

پنجمین روایت باب ۱۰۲ است.

« وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الشَّطْرَنْجِ وَ عَنْ لُغْبَةِ شَبِيبِ النَّبِيِّ يُقَالُ لَهَا لُغْبَةُ الْأَمِيرِ وَ عَنْ لُغْبَةِ الثَّلَاثِ فَقَالَ أَرَأَيْتَكَ إِذَا مَيَّرَ اللَّهُ الْحَقَّ وَ الْبَاطِلَ مَعَ أَيِّهِمَا تَكُونُ قَالَ مَعَ الْبَاطِلِ قَالَ فَلَا خَيْرَ فِيهِ. »^۱

حضرت (ع) می‌فرماید: اگر روزی حق و باطل از هم جدا بشود، قمارهایی که شما شمردید از حق است یا باطل؟ راوی جواب می‌دهد که این‌ها با باطل است. حضرت (ع) می‌فرمایند در نتیجه در آن خیری نیست.

این روایت از لحاظ سند تام است.

بررسی روایت از لحاظ دلالت

دلالت این روایت تام نیست. این روایت، مرجوحیت مطلق را افاده می‌کند. «لاخیر فیه» اعم از کراهت و حرمت است. نمی‌توانیم بگوییم که تمام باطل‌ها، حرام هستند.

روایت پنجم:

روایت ششم این باب مضمون روایت چهارم را دارد. سند این روایت از ناحیه‌ی محمد بن عیسی و سهل ایراد دارد. دلالتش نیز همان دلالتی است که در روایت گذشته صحبت کردیم.

روایت ششم:

روایت هفتم باب ۱۰۲ است.



شماره ثبت: ۲۶۰۰

« وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الشُّطْرُنِجِ فَقَالَ دَعُوا الْمَجُوسِيَّةَ لِأَهْلِهَا لَعَنَهَا اللَّهُ. »^۱

سند این روایت نیز محل بحث است. در مورد هارون بن مسلم و مسعدة بن زیاد، اختلافاتی وجود دارد. ولی می‌توانیم این روایت را از لحاظ سند، تصحیح کنیم.

این روایت، دلالت تامی دارد.

خلاصه‌ای از روایات دیگر

روایت هشتم این باب، دلالت تامی بر بحث ندارد.

روایت نهم، سند معتبری دارد. دلالت بر حرمت نیز دارد.

روایت دهم از لحاظ سند مشکلاتی دارد. از لحاظ دلالت نیز «لاخیر فیه» دارد که دلالت بر حرمت نمی‌کند. ولی تفاوتی که با روایت مشابه خود در بالا دارد این است که در متن «لَا تَقْرُبْهُ»^۲ آمده است و دلالت بر حرمت می‌کند.

روایت یازدهم، از لحاظ سندی مشکل دارد. در دلالت نیز باید بگوییم که حضرت می‌فرماید: مؤمن از لعب روی گردان است. این نیز حرمت را افاده نمی‌کند. بیشتر مرجوحیت را می‌رساند. این روایت دو سند دارد که یکی اشکال دارد و دیگری صحیح است.

روایت سیزدهم، از روایات مرسوله و مقطوعه است. از لحاظ دلالت نیز تام نیست.

غیر از این روایات نیز روایاتی وجود دارد. بعضی در باب ۱۰۰ هستند. در ابواب ۱۰۳ نیز روایاتی وجود دارد. در نتیجه بیش از ۲۰ روایت در طایفه اول وجود دارد.

۱ همان

۲ همان، ص ۳۲۰



تقسیم‌بندی طایفه اول

این طایفه اول به دو گروه تقسیم شدند:

۱. دلالت بر حرمت می‌کنند. بین این‌ها روایات معتبری وجود داشت.

۲. دلالت بر مرجوحیت می‌کنند.

«لاخیر فیه» دلالت بر جامع بودن مرجوحیت

نکته‌ی دیگر این است که روایاتی که «لاخیر فیه» در آن‌ها آمده است، اگر در عملی باشند، که دلیل بر حرمت نداریم، حمل بر کراهت می‌کنیم. اما درجایی که در ادله‌ی دیگر حرمت عمل را اثبات کرده است، جملاتی نظیر «لاخیر فیه» حمل بر مرجوحیتی جامع می‌کند. اگر دلیل دلالت بر کراهت بکند، بین این روایات تعارض می‌شود. زیرا دلیلی می‌گوید حرام است و دیگری مکروهیت را بیان می‌کند.

حرمت و کراهت جامعی دارند که مرجوحیت است. این مرجوحیت بر دو قسم است: کراهت و حرمت. اگر در روایات دلیل خاصی بر حرمت فعل نداشته باشیم، «لاخیر فیه» حمل بر کراهت می‌شود، اما وقتی عمل، دلیل حرمت دارد، قرینه‌ای می‌شود تا «لاخیر فیه» را حمل بر جامع بکنیم. جامع با حرمت سازگار است و تعارضی پیدا نمی‌کنند.